

نقد و تحلیل اصالتها در غزل دفاع مقدس

محسن ذوالفقاری

دانشیار دانشگاه اراک

چکیده:

جایگاه شعر دفاع مقدس در عرصه ادبیات معاصر ایران بسیار ویژه است و می‌تواند تا در زمینه‌ها و رویکردهای مختلف آن تفسیر و تحلیل صورت پذیرد. رویکردهای مختلف نقد موسیقایی و اصالت‌های آن غرض اصلی مقاله حاضر است. در عرصه نقد نوعی شعر این دوره، قطعاً اصالت سبک با نوع ادبی غزل است و ویژگی‌های خاص این نوع ادبی از حیث موسیقایی عبارت است از:

- غزل این دور عمدتاً در هشت بحر عروضی آمده است و اصالت سبک موسیقایی با بحر مجتث (۳۰ درصد) و بحر مضارع (با ۲۲ درصد) است.
- مناسبت وزن با موضوع حماسه، سوگ سروده، احساسات و عواطف خاص دفاع مقدس به خوبی رعایت شده است.
- ابتکار و نوآوری در سرودن غزلها در قالب اوزانی نادر که در فرهنگ اوزان گذشته شعر فارسی نیست از شاخصه‌های دیگر موسیقی غزل دفاع مقدس است، هرچند که عمدتاً شعرا از اوزان رایج استفاده می‌کنند.
- اصالت سبکی موسیقایی غزل دفاع مقدس از حیث تحرک و پویایی اوزان قابل ذکر است، به گونه‌ای که اوزان تند و پویا بسیارند و از این حیث قابل قیاس با اوزان جویباری و خیزیایی سوگ سروده‌ها نیستند.

واژگان کلیدی:

نقد و بررسی، غزل دفاع مقدس وزن، بحر

مقدمه:

نقد و بررسی خصائص شعر فارسی بر حسب زمان، مکان، نوع ادبی و ... از دیر زمان و با تولد هر اثر ادبی مد نظر شعرا، نویسندگان و محققین بوده است و خواهد بود. تأمل در نقد اصالت سبک آثار ادبی نشان می دهد که هر دوره از ادوار شعر فارسی دارای ویژگیهای عام و ویژگیهای خاصی بوده است؛ هرچند که توجه به ویژگیهای خاص آثار ادبی کمتر در کتب سبک شناسی مد نظر قرار گرفته است، لیکن با وجود این تبیین اصالتهای هر دوره باعث شده است تا با سبکهای مختلفی مواجه باشیم. یقیناً ادبیات انقلاب اسلامی بویژه ادبیات دفاع مقدس از هر حیث دارای شاخصه هایی است که این دوره را از ادوار دیگر شعر و نشر فارسی متمایز می سازد. جهت اثبات این مدعا غزل دفاع مقدس را برگزیدم و از میان قریب به هزار غزل، صد نمونه را انتخاب کردم تا تحلیل جامعی با عنایت به رویکردهای نقد اصالت سبک در عرصه غزل دفاع مقدس ارائه شود. آنچه در این مقاله مناسب با مقتضای حال آورده ام تحلیل اصالتها در موسیقی غزل این دوره است. رویکردهای دیگر نقد فنی را در غزل این دوره به مجالی دیگر واگذاشته ام. در بررسی های آغازین پی بردم که در میان شاخه های مختلف نقد نوعی اصالت سبک با نوع ادبی غزل است. به همین دلیل غزل و شاخصه های آن را برای نقد و تحلیل برگزیدم. نکته دوم این که در به گزینی غزلها پی بردم که بسیاری از شعرای دفاع مقدس گرچه در چند نوع ادبی شعر سروده اند ولی غزلهای مطرحی را نیز از خود به یادگار گذاشته اند. گرچه ممکن است بعضی از این شعرا اصالت کاریشان صرفاً نوع ادبی غزل نباشد.

حاصل تحقیق حاضر با عنوان نقد اصالتهای موسیقایی در غزل دفاع مقدس از قرار زیر است:

۱) در نگاه اول می توان گفت که غزل دفاع مقدس عمدتاً در هشت بحر عروضی سروده شده است که این اوزان به ترتیب کثرت کاربرد حدوداً

عبارتند از: بحر مجتث (۳۰ درصد)، بحر مضارع (۲۲ درصد)، رمل (۲۱ درصد)، هزج (۱۵ درصد)، متقارب (۶ درصد)، خفیف (۵ درصد) و رجز (۲ درصد). با عنایت به این جامعه آماری می توان گفت که اصالت سبکی موسیقایی غزل دفاع مقدس در رویکرد موسیقی بیرونی توجه خاص شعرا به بحر مجتث و سپس بحر مضارع است.

۲) نظر به موضوع و محتوای غزل دفاع مقدس که شامل حماسه، سوگ سروده، احساسات، عواطف و ... می شود، می توان گفت: شعرا در حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد موارد، مناسبت وزن و محتوای غزل را رعایت کرده اند، به عبارتی می توان گفت اوزان غزل دفاع مقدس عمدتاً همان اوزان رایج غزل در عرصه ادب فارسی است. از معروفترین و رایج ترین اوزان غزل این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: مفعولُ فاعلاتنُ مفاعیلُ فاعلن (۲۰ درصد)، مفعولُ فاعلاتن، مفعولُ فاعلاتن (۲ درصد)، مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فع لان (فع لن) (۲۶ درصد)، مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل (۶ درصد)، فاعلاتن، فاعلاتن فاعلاتن فعلن (۱۱ درصد) و ...

۱-۲) بحر متقارب که از اوزان مثنویهای معروف حماسی در عرصه شعر فارسی از قدیم تا امروز است از اوزانی است که با توجه به محتوای غزل دفاع مقدس مورد استفاده قرار گرفته است گرچه این بحر از اوزان غزل نیست و در غزل گذشته بسیار کم به کار رفته است ولی در غزل دفاع مقدس مطرح است؛ قطعاً غزل حماسی و سوگ سروده با چنین وزنی تناسب دارد. ۶ درصد از جامعه آماری به این وزن اختصاص دارد. در نقد این وزن در غزل دفاع مقدس می توان گفت:

۱-۱-۲) واژگان حماسی و مضمون حماسی در کنار بحر متقارب که سبک و سیاق حماسه های کهن را به ذهن متبادر می سازد تنها در دو غزل مشاهده می

شود. مرحوم سپیده کاشانی در ساختار واژگانی، موسیقایی و محتوایی این بحر می گوید:

به خون گر کشی خاک من دشمن من

بجوشد گل اندر گل از گلشن من

تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی

جدا سازی ای خصم سر از تن من

کجا می توانی ز قلبم ربایمی

تو عشق میان من و میهن من

... نه تسلیم و سازش نه تکریم و خواهش

بتازد به نیرنگ تو توسن من ...

و یا غزل قیصر امین پور با مطلع:

بر این زین خالی نه گردی نه مردی

دلا زین غم ار خون نگردي نه مردی

۲-۱-۲) دسته دیگر از غزلها که در بحر متقارب سروده شده اند از حیث زبان

و محتوا ربطی به این بحر ندارند و بیشتر به احساس، عاطفه و عشق روی کرده

اند. به عنوان نمونه در غزلهایی با مطلع:

تو را عشق تنها پسندیده بود

همان شب که آینه باریده بود

(جعفر رسولزاده)

سفر کرده ام تا بجویم سرت را

و شاید در این خاکها پیکرت را

(مصطفی جوادی مقدم)

و آتش چنان سوخت بال و پرت را

که حتی ندیدیم خاکسترت را

(محمدکاظم کاظمی)

درونیسم سرودی دل انگیز دارد

یکی نغمه شادی آمیز دارد

(مصطفی اولیائی)

۲-۲) از اوزان دیگری که خاص مثنوی است و کمتر در غزل فارسی گذشته به کار رفته است بحر خفیف است. پنج درصد از غزل دفاع مقدس در این بحر سروده شده است. بسیجی و شهید با عشق، احساس و عاطفه در این چند غزل گره می خورند و زبان نرم و لطیف می شود که با ساختار غزل همخوانی دارد. هرچند که غزل در بحر خفیف سروده شده است:

سمت اعظم دلم را برد

آن که آب از گلوی آتش خورد

در حضور نگاه صد خورشید

عشق آمد برادرم را برد

... در غمت ای همیشه خون آلود

بعد از این خننده روی لبها مرد

(وحید امیری)

و یا غزل زیر در سوگ شهید بی مزاری است که شاعر، عشق، احساس و

عاطفه را در بحر خفیف ارائه کرده است:

کوله باری که پیش ما مانده است یادگاری است کز تو جا مانده است

آن تن پاکتر ز عطر نسیم کس چه داند که در کجا مانده است

... تا که باز آید آن عزیز ز راه مادرش دست بر دعا مانده است

(عباس براتی پور)

۲-۳) به ندرت بحرهایی چون رمل مسدس که از اوزان مشهور مثنوی است در

غزل این دوره دیده می شود. مثنوی «بوی خوبی» از نصرالله مردانی بر این وزن

است:

بوی گندم بوی باران می دهی بسوی عطر تازه نان می دهی
 (۳) در نقد اوزان غزل دفاع مقدس از این حیث که گاه شعرا از اوزان نادر و گاه
 غریب استفاده می کنند می توان به اصالت‌های سبکی زیر اشاره کرد:

(۳-۱) گاه شاعر یک وزن رایج را به صورت ابتکاری در یک مصراع، مکرر می
 آورد به گونه ای که ذهن در نگاه اول با تقطیع آن هر مصراع را بی‌تبی می پندارند.
 در نمونه زیر این امر مصداق دارد و تعداد ارکان در هر بیت دوازده تایی است:

پسرم این بسیجی کوچک، دوست دارد بزرگ تر باشد
 چغیه ای و پلاک و تسبیحی! دوست دارد که چون پدر باشد
 جنگ را او ندیده است آری! ولی آن را چه خوب می فهمد
 دوست دارد کمین کند جایی، آتشتان شور و شر باشد
 ... شب که خوابید زیر بالش خود، می گذارد تفنگ بازی را
 یعنی این مرد کوچک خانه، دائم آماده خطر باشد....

(پروانه نجاتی)

(۳-۲) نیز وزن رایج خبر که از حد زحاف ترفیل (مستغلاتن) عبور می کند؛
 به گونه ای که هر مصراع، حین تقطیع دارای ده رکن است؛ در بیت زیر از یک
 غزل «مستغعلن مستغعلن فع لن» دو بار در یک مصراع می آید:

در کوله بار غربتم یک دل، از روزهای واپسین مانده است

عباس های تشنه لب رفتند، لب تشنه مشکی بر زمین مانده است

و یا بحر هزج مثنی مقبوض که رکن «فعل» را اضافه دارد و هر مصراع دارای
 پنج رکن است. مفاعلن مفاعلن مفاعلن فعل در غزل زیر وزن را از اوزان
 رایج خارج ساخته است:

قسم به آن کبوتری که بی صدا شهید می شود

به آن سری که در نماز عشق ناپدید می شود

(علیرضا قزوه)

۳-۴) تنها دو درصد از اوزان غزل دفاع مقدس را می توان یافت که یادآور وزن قصاید کهن فارسی است و این اوزان را بیشتر در دواوین شعرایی چون ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد می توان یافت.

بحر رمل مثنی مجحوف مسبغ در غزل زیر بر وزن «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن فاع» از این نوع است:

کاش آن شب های بی برگشت برگردند
تا شهیدان غریب دشت برگردند
کاشکی یک بار دیگر از غبار راه
ضربتی های گروه گشت برگردند
آرزویم بود شاید در پگاهی سرخ
بچه های کربلای هشت برگردند...

(نورمحمد ناصری)

و یا غزل زیر در بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف مقصور که بر وزن «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ» آمده است:

آهسته از غبار گذشته
یاران بردبار گذشتند...
بر صخره های ساحل خاموش
چون موج انفجار گذشتند

(عبدالجبار کاکائی)

۳-۵) با این وصف که در بندهای فوق آمد می توان گفت وزن غزل دفاع مقدس عمدتاً از اوزان رایج است؛ چنانچه اوزان نادر و کم کاربرد و اوزان مثنوی (مقارب، خفیف، رمل مسدس) را از دایره اوزان این دوره خارج کنیم می توانیم در یک جامعه آماری اثبات کنیم که حدود ۸۴ درصد اوزان غزل دفاع مقدس وزن غزل رایج را دارا هستند. از این میان می توان به ترتیب به اوزان برجسته غزل چون «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» ۲۰ درصد «مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فع

لن» ۲۶ درصد، «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فععلن» ۱۱ درصد و «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل» ۶ درصد اشاره کرد.

۴) یکی دیگر از مسائلی که در موسیقی شعر دفاع مقدس در خور تحلیل است، تأثیر متقابل اندیشه، احساس، عاطفه و انتخاب وزن مناسب با آن است، به عبارتی نقد لحن موسیقایی شعر است. نرمی، زلالی، درشتی و تنیدی و پویایی اوزان موجود در شعر این دوره نشان می دهد که شعرا عمدتاً مناسب با اندیشه و لحن حاکم در نوع ادبی، وزن مناسب با آن را انتخاب کرده اند. در نقد لحن و ارتباط آن با موسیقی اثر رویکردهای زیر در غزل دفاع مقدس مشهود است:

۴-۱) در شعر دفاع مقدس باعنایت به رویکرد حماسی آن می طلبد که شعرا از اوزانی استفاده کنند که دارای تحرک و پویایی بیشتر و مناسب با لحن حماسه باشد. انتخاب بحر مقارب از مصادیق همین امر است که ۶ درصد از جامعه آماری غزل دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است. تحرک و پویایی «فعولن فعولن فعولن فعولن» گرچه یادآور جنگاوریهها، پهلوانیهها و عظمت قهرمانان مثنویهای حماسی است ولی تجلی این وزن از اصالتهای سبکی غزل دفاع مقدس است.

۴-۲) از موارد دیگری که تحرک و پویایی وزن با مضمون غزل مشاهده می شود حذف ساکن «فاعلاتن» در بحر رمل است ۱۱ درصد از اوزان بحر رمل دارای این خصیصه هستند و به صورت «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فععلن» یا «فع لن» آمده است:

شور و هیجان و تحرک حروف و واژگان در غزل زیر نمونه عینی لحن حماسی در بحر رمل است:

جاده مانده است و من و این سر باقی مانده

رمقی نیست دراین پیکر باقی مانده

نخل ها بی سرو شط از گل و باران خالی

هیچ کس نیست در این سنگر باقی مانده
... تا ابد مردترین باش و علمدار بمان
با توام، ای یل نام آور باقی مانده

(سعید بیابانکی)

و یا سوگنامه زیر:

موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند
بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند
... آن فرو ریخته گل‌های پریشان در باد
کز می جام شهادت همه مدهوشانند
نامشان زمزمه نیمشب مستمان باد
تا نگویند که از ییاد فراموشانند...

(شفیعی کدکنی)

۳-۴) کاربرد دسته ای از بحرهای متناوب الارکان که از تعداد ساکنهای آنها کاسته شده است و حرکات آنها متناسب با غزل حماسی است از دیگر مشخصات غزل دفاع مقدس است. ۲۹ درصد از اوزان بحر مضارع این خصیصه را دارا هستند. جهت نمونه غزل زیر که بر وزن «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلان» آمده است:

گرفته ذهن مرا موجی از تفکر سرخ
نمی رسد به خیالم مگر تصور سرخ
... به خون پر تپشت ای شهید زنده عشق
به آن تلاطم زیبا در آن تبلور سرخ
به یکه ساختنت در میان آتش و خون
به آن شعور نهفته در آن تهور سرخ

... که راه خون ترا می روم به پای جنون
 کفن چولاله به تن می کنم ز چادر سرخ...
 (فاطمه راکعی)

و کمی نرم تر بر وزن «مفاعن فعلاتن مفاعن فع لان»؛

تنش به بوی گل آغشته بود و جان می داد
 و با اشاره افق را به من نشان می داد
 که سبزه پوش بلندی شبیه پیغمبر
 ز دور دست افق دست خود تکان می داد...
 (غلامرضا کافی)

از موارد دیگری که از ساکنهای ارکان آن کاسته می شود و حرکات آن ملموس می شود بحر مضارع است. قریب به ۲۰ درصد اوزان این بحر در غزل دفاع مقدس دارای تحرک و پویایی است و با لحن تند و پیام غزل تناسب دارد. «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» با تکیه بر سه متحرک در پایان سه رکن اول بسیار مناسب با محتوای غزل این دوره است. جهت نمونه:

«فاضل» شهید زنده گم کرده سنگر است
 آلاله خزان زده نیمه پرپر است
 پرونده تنش پر امضای ترکش است
 آری پرنده در چمدانش پر از پر است
 عطر شلمچه در نفش موج می زند
 این سینه تا به حشر از آن سم معطر است
 ... دیروز تیغ مالک اشتر به دست داشت
 امروز گرم تجربه مرگ بوذر است
 (احسان پرسی)

و یا غزل زیر که از غزلهای بعد از جنگ است با لحنی تند و از سر نقد و

اعتراض با همان تحرک و پویایی:

همسایه چشم بد نرسد صاحب زر است

چون صاحب زر است یقیناً ابوذر است

کم کم به دست مرده دلان غصب می شود

باغی که در تصرف گلهای پرپر است

... صبح از مزار خط شکنان زنده می شود

شاعر هنوز در شکن زلف دلبر است

... با سنگ ها بگو که چه اندیشه می کنند.

حتی بدون بال، کبوتر کبوتر است

(محمد کاظم کاظمی)

۴-۴) اوزان نرم تر و زلالتر که عمدتاً در سوگ سروده های غزل دفاع مقدس به چشم می خورد، دسته دیگر از اوزان این دوره را به خود اختصاص می دهد. این دسته از اوزان که میزان ساکن های آن در هر رکن قابل ملاحظه است جویباری و خیزابی نیز خوانده می شوند. رویکردهای زیر در این باب قابل ذکر است:

۱-۴-۴) توجه به اوزان دوری چون «مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن» در بحر مضارع (با دو درصد) و اوزان سالم و کم زحافی در بحر رمل (با ۷ درصد)، رجز (با دو درصد)، مجتث (با دو درصد) که از حیث آماری جمعاً ۱۳ درصد اوزان غزل دفاع مقدس را تشکیل می دهند از مهمترین اوزان جویباری و خیزابی این دوره به حساب می آیند. نرمی و لطافت این اوزان بیشتر مدیون لحن مرثیه و سوگ سروده های این غزلهاست که جهت نمونه به بعضی از غزلهای اشاره می شود:

از اوزان دوری در بحر مضارع (مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن):
ای در قرار سرخت، مفهوم بی قراری

در بستر حماسی، خونت هماره جاری

در برگریز سنگر، همواره می شکوفد

فسواره رگانت، چون لاله بهاری
(حسن حسینی)

در بحر مجتث مثنی سالم (مستفعلن فاعلاتن (۲) آمده است:

این بوی ناب وصال است یا عطر گلهای سیب است
این نعمه آشنایی بسوی کدامین غریب است؟
امشب از این کوی بن بست، با پای سر می توان رست
روشن چراغ دل و دست، با نور «امن یجیب» است...

(علیرضا قزوه)

و در بحر رمل مثنی مقصور:

پاکباز عشق را شور و شراری دیگر است
نوح این دریا نگاهش برکناری دیگر است
... کربلا دیدیم و در میدان تولد یافتیم
هم شهادتگاه ما معراج «دار» ی دیگر است
گر به خاک افتاد سرداری در این میدان چه باک
مرکب این سربداران را سواری دیگر است...

(حسین اسرافیلی)

فهرست منابع:

- ۱- باقری، ساعدو ... ، شعر امروز، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۲- بیگی جیب آبادی، پرویز، حماسه های همیشه، فرهنگ گستر و صریر، چاپ اول، ۱۳۸۲، (۳ جلد)
- ۳- شاهرخی، محمود، مجموعه شعر جنگ، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- قزوه، علیرضا، غزل معاصر ایران، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۶
- ۵- میرجعفری، سیداکبر، حرفی از جنس زمان، شیراز، نشر قو، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۶- نجف زاده بارفروش، محمداقرا، فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، سازمان انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۷- ندیم، مصطفی، مضمون شهید و شهادت در ادبیات فارسی (منظوم)، نشر شاهد، تهران ۱۳۸۲